



زمانک، زندگی، ورزش

ره توشه ای از خاطرات خدمتی در ورزش کشور

دکتر سید محمد حسین رضوی



زمان ، زندگی و ورزش

(ره توشه ای از خاطرات خدمتی در ورزش کشور)



دکتر سید محمد حسین رضوی

فهرست مطالب

- ۶..... دوران کودکی و تحصیل در روستا و شهر
- ۷..... فعالیت در امور کشاورزی
- ۱۰..... دوران تحصیل در مرکز آموزش کشاورزی شهسوار
- ۱۱..... همکاری در تأسیس مرکز تربیت معلم
- ۱۳..... دوران تحصیل در مدرسه عالی ورزشی
- ۱۷..... دوران خدمت نظام و وظیفه
- ۲۰..... حضور در انقلاب در همراهی با مردم
- ۲۲..... دوران خدمت معلمی در شهر بابل
- ۲۳..... همکاری در تأسیس مراکز تربیت معلم
- ۲۴..... دوران خدمتی در اداره کل تربیت بدنی و وزارت آموزش و پرورش
- ۲۶..... دوران تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس
- ۲۷..... حضور در سازمان تربیت بدنی و قبول مسئولیت
- ۲۹..... دوره خدمتی در سازمان تربیت بدنی (۱۳۶۴-۱۳۶۸)
- ۳۲..... مأموریت تدوین نظام نوین تربیت بدنی در کشور
- ۳۴..... مسئولیت در تدوین برنامه پنجساله ورزش کشور
- ۳۴..... تأسیس انستیتوی ورزش کشور با حمایت بنیاد کروب
- ۴۰..... دوره خدمتی در دانشگاه تربیت مدرس
- Error! Bookmark** تأسیس انجمن فارغ التحصیلان و خدمات آن

not defined.

دوره خدمتی دیگر در سازمان تربیت بدنی در همراهی با مهندس هاشمی

۴۱..... طبیا

۴۳..... دوران خدمتی تأسیس دانشگاه شمال در آمل

۴۷..... تصاویر

ره توشه ای از خاطرات خدمتی در ورزش کشور

دوران کودکی و تحصیل در روستا و شهر

روستازاده‌ای از دیار طبرستان، شهرستان آمل، روستای پاشاکلای دشت‌سر هستم. فرزند انسانهایی پر تلاش، زحمت کش و کارآفرین.



گذرانیده، و چون ادامه تحصیل به دوره های تحصیلی بالاتر در روستای مذکور میسر نبود، علیرغم فاصله ی حدود ۹ کیلومتری تا شهر آمل ، ناگزیر شدم برای ادامه تحصیل در سیکل اول (دوره اول متو سطر) در دبیر ستان طبری شهر آمل ثبت نام شوم. بدین ترتیب، موفق شدم سه سال اول دوره متو سطر را در دبیر ستان مذکور طی نمایم. نکته قابل ذکر اینکه، دسترسی به شهر بسیار دشوار بود، و جاده

و وسائط نقلیه ی نه چندان مناسبی از روستا به شهر وجود نداشت، از این حیث، دوران سختی را گذرانیده و بعضاً مجبور می شدم از ساعت سه بعد از نیمه شب و با پای پیاده همراه با حداکثر یک یا دو نفر مسیر نسبتاً طولانی روستا به شهر را طی کنیم، که البته برادر بزرگ من همراه همیشگی من بودند.



فعالیت در امور کشاورزی

اقامت در شهر و تردد هر روزه به دبیرستان ، که در دو نوبت صبح و بعدازظهر بوده است، دشواری دیگر تحصیلات ما در همان زمان بوده که مصادف با سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶ می شد. نکته قابل ذکر اینکه، در همین دوران تحصیل، مخصوصاً در فصل بهار و تابستان، با جدیت در کار کشاورزی، همراه و هماهنگ با خانواده بوده ام ، توضیح اینکه

کاشت و داشت و برداشت مزارع برنج و سایر کشت و کار کشاورزی، بصورت یدی انجام می شد و از مکانیزه شدن، بصورتی که امروزه مرسوم و متداول شده است، خبری نبود و حداقل، کاشت و نشای برنج در زمین هایی با مساحت بیشتر از حدود ۴ تا ۶ هکتار، حدوداً ۴۰ روز بطول می انجامید و جالب اینکه وجین همین مزرعه هم ،می بایست پس از اتمام نشاء کاری انجام می شد، که غالباً دست و پاها در تماس با زمین گل اندود ، بعضاً آلودگی های محیطی فراوانی را نیز به همراه داشت.



نمایی از کشاورزی (تبله کار)

تصویر گویای آن روزهای سخت، ولی دلنشین و پر از صمیمیت می باشد.

دست ها و پاها زخم های آزاردهنده ای داشتند که درمان آن هم چندان آسان نبود. و یک شیوه جلوگیری از زخم دست و پا این بود که پوست گردو را ساییده و بر نقاط زخم شده می گذاشتند، که هم التیام

درد بود و هم زخمها را درمان می‌کرد. بد نیست بدانیم که مرحوم پدر من کدخدای روستا بود با چهره ای مردمی و محبوب مردم روستا ، و در عرصه‌های مختلف کشاورزی و دامداری فعالیت می‌کرد. همزمان با مسئولیت کدخدایی آبیاری روستای پاشاکلا و نیز سرمیراب رود کاری هم بوده است. طبیعی بود، برسرم روستا ما بعنوان ، فرزندان بزرگتر پدرمان، در بسیاری از عرصه‌های فعالیتی ایشان همکاری داشته باشیم و مسلماً در روابط سنتی آن روز ، در مواردی با اجبار هم روبرو می‌شدیم و گاهی از ابراز خشونت هم بی‌نصیب نبوده‌ایم. اشاره به مطالب بالا، ذکر سختی گذراندن زندگی در آن زمان و نیز سخت‌تر از آن، تحصیل در این دوران سخت بوده است.



دوران تحصیل در مرکز آموزش کشاورزی شهسوار

به هرتقدیر، دوره ابتدایی و متوسطه اول را با موفقیت نسبی، در روستا و شهر آمل سپری نمودم ، و برای ادامه تحصیلات متوسطه، با مشاوره ی مرحوم پدرم ،در مرکز آموزش کشاورزی شهسوار ، واقع در مثل قو یا ساقی کلایه آن روزگار ، ثبت نام شدم. مراکز آموزش کشاورزی، وابسته به وزارت کشاورزی بوده‌اند، و بوا سطه مهند سین مجرب و با تمهیدات لازم شبانه روزی و ادوات مهندسی متناسب با رشته‌های کشاورزی، مجهز شده بودند. و در اولین سال یا دوره تأسیس خود ، مقرر بود که دیپلم کامل با دوره سه ساله داده شود. این موسسات قبلاً با نام دانشسرا برقرار بودند و دوره ی آنها دو ساله بود و دیپلم ناقص می‌دادند و فارغ التحصیلان دانشسراها ، جذب آموزش و پرورش می‌شدند و عموماً شغل معلمی داشتند.

دوره تحصیل در مرکز آموزش کشاورزی شبانه‌روزی شهسوار، حداقل با محل زندگی من در شهرستان آمل، حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله داشت و عملاً از زندگی با خانواده و لزوماً پدر و مادر دور بوده‌ام. ناچار، به اقتضای محیط زندگی و تحصیل، لازم بود با دوستان همکلاسی و نیز با اولیاء مرکز همزیستی مسالمت آمیز و مناسبی داشته باشیم.

همکاری در تأسیس مرکز تربیت معلم

از بخت روزگار، تمشیت امور زندگی و تحصیلی مان، مصادف با مدیریت مهندس صدرزاد؛ انسانی کم نظیر و معلمی باسواد و با ویژگی های ممتاز بوده است. گفتار، رفتار و کردار مهندس صدرزاده، الگوی تمام نشدنی زندگی دانش آموزان ، و از جمله من بوده است. دو عنوان درسی خاکشناسی و دفع آفات را شخصاً تدریس می کرد و واقعاً با تسلطی کم نظیر مفاهیم دشوار درس را به کلماتی ساده تبدیل می کرد که هر دانش آموز ،در پایان کلاس، مطالب درس داده شده را به راحتی یاد می گرفت، او معلمی بود با مدرک مهندسی کشاورزی و دیپلم ریاضی، در رشته ی ریاضی ، ریاضی درس می داد و در رشته ی ادبی درس عربی؛ و زبان انگلیسی را مثل بلبل ،روان و مسلط صحبت می کرد. بهر حال ،پدیده نادری بود و همانطور که اشاره داشتم در تمامی زمینه ها، رفتار و کرداری مناسب داشت ،که البته شرح توانمندیهای او در این مختصر نمی گنجد. روحش شاد باد.

دوران تحصیل در مرکز آموزش کشاورزی شهسوار، در جنب شهر توریستی مثل قو ، که در آن زمان به یک خانواده ای زردشتی بنام جهان شیر، تعلق داشت ، با خاطرات عمدتاً شیرین، و با شرایط ممتاز تحصیلی سپری شد. قابل توجه اینکه ، بیشتر دانش آموزان مرکز مزبور، از شهرستان های چالوس و نوشهر و شهسوار و رامسر و محدوده ی همین مناطق بود ند. فقط قریب به ۸ تا ۱۰ نفر از

دانش‌آموزان تهرانی و ساوجی و آملی و بابلی بودند که یک نفر از آنان هم بنده حقیر بودم و از آمل.

نکته قابل ذکر اینکه، شرایط تحصیل، علی‌رغم اینکه مرکز دولتی بود و با حمایت وزارت کشاورزی تأسیس شده بود، از بین ۸۰ نفر ورودی سال اول، معمولاً حدود ۳۰ نفر را بورسیه می‌کرد و شرط آن داشتن معدل بالا بود و بقیه دانش‌آموزان می‌بایست هزینه دوره را می‌پرداختند. خوشبختانه، در طول سه سال دوره تحصیلات کشاورزی، از شاگردان ممتاز بودم و همواره از بورس تحصیلی استفاده کردم و در ورزش هم، خصوصاً در والیبال، کاپیتان تیم بوده و حتی به عضویت تیم کلونی شهرستان شهسوار دعوت شدم. آشنایی با ورزش، رشته والیبال، باعث گردید که در کنکور مدرسه عالی ورزش که در آغاز تأسیس، وابسته به سازمان تربیت بدنی وقت بود شرکت کنم و پذیرفته شوم.



دوران تحصیل در مدرسه عالی ورزش

جا دارد اشاره شود، در همان زمان، فارغ التحصیلان مراکز آموزش کشاورزی، صرفاً می‌توانستند در یک دوره دو ساله (فوق دیپلم) در همدان و گرگان ، با شرکت در امتحان کنکور پذیرفته شوند و تقدیر این شد که، باعنایت به سابقه ورزشی ، در مدرسه عالی ورزش پذیرفته شوم و ادامه تحصیل دهم.

سال ورود به تحصیل در مدرسه عالی ورزش، در مهرماه ۱۳۵۱ بود. و مقرر بود با شرکت در آزمون کتبی و عملی و معاینات پزشکی سفت و سخت، در مدرسه عالی ورزش، که در استادایوم امجدیه استقرار داشت، پذیرفته شدیم. و مدیران مدرسه عالی مذکور، عمدتاً نظامی، با رتبه عالی بودند. سرلشکر شبستری (رئیس) و تیمسار حجت کاشانی (ریاست کل سازمان تربیت بدنی) و ریاست هیات امناء را عهده دار بود، و شاهپور غلامرضا پهلوی، رئیس کمیته المپیک وقت و عمدتاً اساتید و مدرسین دروس نظری و عملی، تحصیل کردگان خارجی، خصوصاً کشور آلمان، به ویژه دانشگاه کلن بوده‌اند، که دکتر سیروس جاوید سرآمد آنان بوده است.





دوره تحصیل در مدرسه عالی ورزش، چهار سال به طول انجامید، و همزمان با دوره تحصیلی مذکور، کشور ایران میزبان بازی‌های آسیایی تهران در سال ۱۳۵۳ بود. ضمن اینکه قریب به اتفاق دانشجویان مدرسه عالی ورزش، که تا زمان برگزاری بازی‌های آسیایی، حدوداً بالغ بر ۸۰۰ نفر بوده‌اند، در امر برگزاری رویداد ورزشی آسیایی در نقش‌های متفاوت مجری، مترجم، داور و راهنمای تیم‌ها به کار گرفته شدند. قابل توجه اینکه، در این شرایط من، و نیز چند نفر از دانشجویان مدرسه عالی مذکور، به دلیل تأثراتی که از اندیشه‌های سیاسی و مذهبی شرایط حاکم، مخصوصاً دکتر علی شریعتی داشتیم، با رژیم شاهنشاهی حاکم، زاویه پیدا کرده و حتی با پخش اعلامیه‌ها و کتاب‌های مذهبی و سیاسی در جمع دانشجویان همفکر، سعی در عضویت گروه‌های سیاسی و حتی گروههای مسلح آن زمان داشتیم.

بدیهی بود در کنار گذرانیدن دوره چهار ساله لیسانس تربیت بدنی، که با موفقیت هم قرین بوده است، مطالعات آثار سیاسی و مذهبی را وجهه همت خود قرار داده بودیم و با عنایت به شرایط پلیسی و امنیتی سفت و سخت آن زمان، با ملاحظه شرایط، در مسیر مبارزاتی چهره‌های برجسته تاریخ آن روزگار، خصوصاً آیت ... خمینی(ره) قرار گرفتیم.

بدین ترتیب دوره مذکور سپری شد و مزید بر آن ، علی‌رغم سرمایه‌گذاری هنگفت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رژیم حاکم، از جمله تأسیس مدرسه عالی ورزش ، با کسب رتبه دوم قهرمانی آسیایی ، با کسب ۸۱ مدال ، بعد از کشور ژاپن که رتبه اول شده بود، قرار گرفت. قابل توجه است که بخش عمده‌ای از مدالها را دانش‌آموختگان مدرسه عالی ورزشی کسب کرده بوند و نیز جا دارد اشاره شود مربیان و مدرسان و اولیای امور مدرسه عالی ورزش هم، بی‌تأثیر در کسب عنوان قهرمانی نبوده‌اند. دو سال بعد، شایستگان کسب مدالهای قهرمانی بازیهای آسیایی، با عزمی قوی و را سخ و با وعده‌های پیروزی و کسب مدالهای بیشتر، نسبت به المپیک‌های پیشین، در المپیک مونترال کانادا (۱۹۷۶) شرکت کردند که متأسفانه، صرفاً دو مدال نقره و برنز در کشتی و وزنه‌برداری کسب کردند، که هماهنگ با وعده‌های داده شده به پادشاه وقت ، از ناحیه مسئولین سازمان تربیت بدنی نبوده و عملاً کسب نتیجه ضعیف در المپیک مذکور ، موجب

خشم پادشاه شد و دستور به انحلال سازمان تربیت بدنی و ادغام آن در وزارت آموزش و پرورش داد. و ما دانشجویان متعهد به خدمت به سازمان تربیت بدنی، ناگزیر به تجدید تعهد و مجبور به تعهد خدمت در آموزش و پرورش شدیم.

دوران خدمت نظام و وظیفه

بعد از اتمام تحصیلات دوره لیسانس یا کارشناسی، بخدمت نظام وظیفه رفته و دوره آموزشی را در پادگان ژاندارمری، در ونک گذرانیدم، و پس از خدمت ۶ ماهه آموزشی به ناحیه ژاندارمری خراسان، و نهایتاً هنگ ژاندارمری بجنورد جایابی خدمتی شدم. قابل توجه اینکه، پس از دوره ۶ ماهه آموزشی، که مصادف با خرداد ۱۳۵۶ بود، مرگ نابهنگام دکتر علی شریعتی رخ داد و من باتفاق آقای احمد درگاهی در حسینیه ارشاد و مسجد قبا، جهت شرکت در مراسم احتمالی حضور یافتیم که عملاً مراسمی در محل‌های مذکور، بمناسبت شهادت دکتر شریعتی، برقرار نشده بود و ما باتفاق همدیگر، به مسجد میدان ارگ، جنب کاخ گلستان و ایستگاه رادیویی تهران آمدیم، که در محاصره پلیس شهربانی با انواع ریبو و دیگر ماشین‌ها در اختیار پلیس بود و عملاً در مسجد بوسیله نیروهای پلیس بسته شده بود و در همین محل که بمناسبت درگذشت یکی از بستگان آقای معادی خواه (احتمالاً پدر و یا مادر) مجلس ترحیم برگزار بود؛ یکی از روحانیون با نام آقای سجادی در وصف دکتر علی شریعتی با ذکر عنوان یکی از آثار ایشان،

یاد یادآوران، آغاز سخن کرد که در مجلس برگزاری غوغایی برخاست و عملاً پلیس دخالت کرد و بالغ بر ۵۰۰ نفر را بازداشت و روانه زندان اوین کرد، که البته من و آقای درگاهی با دیر رسیدن به محل برگزاری مجلس ختم عملاً شاهد دستگیری و انسداد در مسجد و محل درگیرشدن با نیروهای پلیس بودیم. در این میان حجت الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی، سراسیمه در بیرون مسجد ارگ، بهرطرف می‌رفت تا چاره‌ای کند و احیاناً مانع وضعیت مذکور شود.

بهرحال حضور در این مراسم، همزمان با تاریخ عزیمت و صدور ابلاغ اینجانب، برای معرفی به ناحیه ژندارمری خراسان بود، که عملاً به دلایل مذکور، با یک روز تأخیر، خود را معرفی کردم و مدت‌ها ناگزیر بودم دلیل یک روز تأخیر خود را به بخش‌های امنیتی، خصوصاً رکن دوم ژندارمری، پاسخگو باشم. مدت ۹ ماه در هنگ ژندارمری بجنورد، با درجه ستوان دومی خدمت کردم. در همین مدت توفیق داشتم با برخی از اشخاص نظامی، که تأسی و تأثر از اندیشه مذهبی داشتند، ارتباط خانوادگی برقرار کرده و مراودات داشته باشم. از میان آنها برخی تأسی و تأثر از اندیشه دکتري شریعتی داشتند و برخی نیز از انجمن حجتیه بودند. در مدت اقامت در بجنورد، با مشهد هم ارتباط داشتم و در مسجد کرامت، که محل سخنرانی شهید هاشمی‌نژاد بود، هم گاهی شرکت می‌کردم و نیز در مراسمی که به علت فوت حاج مصطفی خمینی، در مدرسه خان مشهد برگزار شده بود، بعنوان مکلفی که

افسر وظیفه بود ، شرکت کردم که آقایان سید علی خامنه‌ای و شیخ علی تهرانی هم حضور داشتند. البته پلیس مانع برگزاری مراسم فاتحه خوانی در مدرسه خان شده بود و دستور متفرق شدن جمعیت مستقر در مدرسه خان را، که عمدتاً طلبه بودند، داده بود. مدرسه خان حوزه علمیه بود، در مجلس مذکور، به تعداد انگشتان دست افراد غیر معمم شرکت کرده بودند که یکی از آنان من بودم و داستان آن روز هم ویژگی‌های خاص خود را دارد که از ذکر آن بدلیل خلاصه نویسی خودداری می‌کنم.

بعد از ۹ ماه خدمت سربازی در هنگ ژاندارمری بجنورد، محل خدمت من به پلیس راه ژاندارمری انتقال یافت ، و باقیمانده خدمت سربازی را در پلیس راه حسن آباد قم خدمت کردم.

حضور در پلیس راه حسن آباد قم، به مدت ۹ ماه در سال ۱۳۵۷ بوده است، که انقلاب اسلامی در حال وقوع بود. در این دوران خدمتی، افسر وظیفه‌ای بوده‌ام که اندیشه سیاسی و مذهبی داشتم ، و به سهم خودم فرد تأثیرگذاری در جلب همکاران و همراهان خدمتی ، اعم از وظیفه و کادر بودم. فرماندهان وقت پاسگاه پلیس راه هم، با سابقه مذهبی و سیاسی من، کم و بیش آشنا بودند، تا حدی که فرمانده پاسگاه ، سروان شریفی، اعلام آمادگی کرد که با ۲۴ قبضه اسلحه سازمانی، در صورت لزوم با همراهی من، در درگیری با عوامل حکومتی مشارکت نماید. در همین دوران ، هفده شهریور و جمعه سیاه اتفاق

افتاد و حضور من در صبح روز هفده شهریور، بعد از پایان شیفت خدمتی و عزیمت از حسن آباد قم تا تهران و مراسم اعتراضات هفده شهریور با تأخیر مواجه شد و عملاً کشتار آن روز شروع شده بود و بهر تقدیر مشابه میدان ارگ که همزمان با روز مرگ شریعتی بود و ما در مراسم مسجد حضور نداشتیم که احتمالاً از دستگیرشدگان باشیم، در هفده شهریورماه نیز به صحنه درگیری نرسیدم ، ولی پیگیر وقایع شدم ، از آقای احمد درگاهی ، که در مراسم حضور داشت و گلوله‌ای به نقطه‌ای از بدنش اصابت کرده بود.

من به‌مراه یکی از دوستان، (آقای ایرج صفری) ، ایشان را از بیمارستان پهلوی با پوشانیدن لباس مبدل، از بیمارستان خارج کرده و به منطقه امن‌تری در نازی آباد انتقال دادیم.

حضور در انقلاب در همراهی با مردم

ماجرای حضور و همراهی با وقوع انقلاب اسلامی، همانند بسیاری از جوانان و از جمله خودم، بویژه با حضور در مدرسه رفاه و دیدار با امام خمینی (رض) و دستور لغو حکم حکومت نظامی تهران، از ناحیه ایشان ادامه یافت.

من و مهندس جعفر علاقه مندان، بانوشتن لغو حکومت نظامی، به دستور امام خمینی(ره) ، بر روی کاغذ آچار و نصب آن به در و دیوار و شیشه‌های اتومبیل، از میدان بهارستان شروع و تا بخشی از خیابان

شاه آن زمان را تحت پوشش این آگهی قرار دادیم و مردم را دعوت به حضور در خیابانها کردیم ، و در همان روز که ۲۱ بهمن ماه بود ، به منزل خود که در قصرالدشت بود آمدم و کارت پایان خدمت خود را از منزل برداشته، و روانه منطقه نیروی هوایی، در خیابان پیروزی شدم.

تا پاسی از آغاز شبانگاه روز ۲۱ بهمن ماه ، و با استقرار در منزل آقای رمضان ابراهیم‌پور، که هم محلی من و یکی از کارکنان مدرسه عالی ورزش بود، و در همان منطقه نیروی هوایی سکونت داشت ، باتفاق همدیگر از منزل خارج شده و با بسیاری از افراد و انقلابیون در تسخیر کلانتری‌ها و مرکز اسلحه‌خانه وزارت دفاع (اداره تسلیحات)، که در نزدیکی میدان ژاله بود ، مشارکت داشتیم و در سحرگاهان آن روز به بسیاری از کلانتری‌ها و پادگان‌ها و همچنین مرکز تسلیحات تسخیر شده بود و هریک از مردان و بعضاً زنان ، یک یا چند اسلحه را با خود حمل می‌کردند، در همان روز مرکز رادیوی تهران، واقع در میدان ارگ، فتح شد ، و نهایتاً پادگان باغ شاه و نقاط دیگر نظامی و انتظامی به تسخیر نیروهای انقلابی درآمد. از مهندس بازرگان نیز بعنوان دولت موقت امام ، و در حمایت از ایشان که از چهره های محبوب انقلاب بود به همراه مردم پشتیبانی کردم و در اتفاقات انقلاب اهتمام کامل داشتم.

دوران خدمت معلمی در شهر بابل

با وقوع انقلاب؛ حسب ابلاغ معلمی که در دی ماه سال ۱۳۵۷، از ناحیه وزارت آموزش و پرورش صادر شده بود، در شهرستان بابل، در دبیرستان آیت الله نوری و طالقانی مأموریت خدمت معلمی یافتم. بدلیل مطالعات دینی و مذهبی ، همزمان، در کنار معلمی ورزش، معلم تعلیمات دینی در دبیرستان طالقانی هم شدم. استقبال دانش‌آموزان از تدریس اینجانب، از یک طرف، و نارضایتی معلمان تعلیمات دینی از جانب دیگر، که بدلیل اشغال ساعت کاری ایشان به عنوان معلم معترض بودند ماجرابی را پدید آورد که منجر به ترک موقت من از تدریس و اعتراض دانش‌آموزان شد و در نهایت با بازگشت مجدد من اعتراضات خاموش شد و تدریس کما فی السابق ادامه یافت.



بهرحال ، در کنار اعضای خانواده که همسر من (خانم طاهره لامعی) و دو فرزند بزرگسال هستند ، تا مهرماه ۱۳۶۰ ، در شهرستان بابل در شغل

معلمی ورزش خدمت کردم و از مهر ماه ۱۳۶۰، بنابر دعوت آقای سیدنصراله سجادی، مدیرکل وقت تربیت بدنی آموزش و پرورش، من و خانم لامعی، جهت خدمت در اداره کل مزبور، که واقع در ساختمان سی تیر، که در قبل از انقلاب، متعلق به سازمان بلیط بخت آزمایی زمان شاه بود و به وزارت آموزش و پرورش واگذار گردیده بود، مشغول خدمت شدیم.

همکاری در تأسیس مراکز تربیت معلم

از بدو حضور در اداره کل تربیت بدنی، آقای احمد درگاهی سمت ریاست تربیت معلم پسرانه را، که بعداً شهید چمران نامیده شد، و سرکار خانم لامعی، بسمت ریاست مرکز تربیت معلم تربیت بدنی دختران را، که بعداً نسیمه نام گرفت، به عهده گرفتند، و من نیز شاغل در اداره کل تربیت بدنی، در مسئولیت کار شناس مسئول آموزشی و تحقیقات، به خدمات خود ادامه دادم.

داستان مشارکت و همراهی با مؤسسين دو مرکز تربیت معلم شهید چمران و نسیمه، حداقل در موضع تدریس دروس مبنای تربیت بدنی هماهنگ با انقلاب اسلامی، در شرایط وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، و پذیرش دانشجویان نخبه و با استعداد که معدل همگی آنان بالاتر از ۱۵ بوده است و حساسیت ایجاد مراکز تربیت معلم، توسط مسئولین وقت وزارت آموزش و پرورش، که همگی

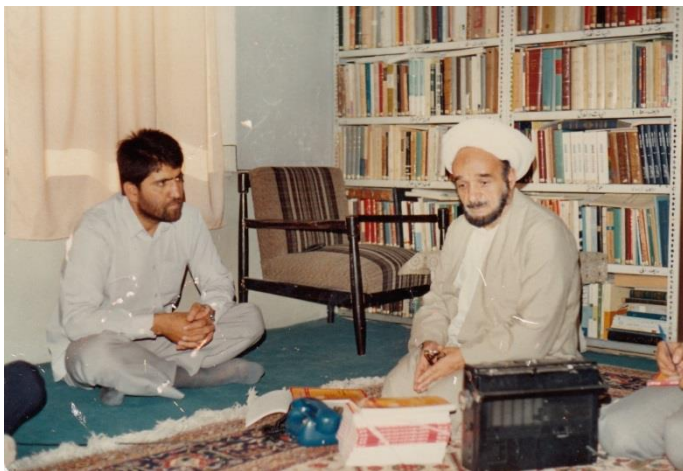
منصوب از ناحیه شهیدان رجایی و باهنر بوده‌اند . همتی را برپا داشت که به صورت شبانه روزی، به آقای احمد درگاهی و خانم لامعی در دو محلی که استادیوم امجدیه و بولینگ عبده بود و عملاً اقتضای حضور دانشجویان را به صورت شبانه روزی نداشت ، کمک نموده و همراهی نمایم.

دوران خدمتی در اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و

پرورش

جدای از همفکری و همراهی با مدیران دو مرکز مذکور، که یکی دو ست و دیگری هم سر اینجانب بوده‌اند ، مدت چهار سال در اداره کل تربیت بدنی آموزش و پرورش، در موضع مسئولیتی که داشتم با مسئولین وقت همکاری داشتم و سعی داشتم به تناسباتی توانمندی حاصله تا این زمان، در عرصه‌های مختلف مسئولیت‌های محوله اداره کل، با آقای سیدنصراله سجادی همکاری تاثیرگذار داشته باشم . علاوه بر همکاری در تأسیس مجله ورزش و ارزش بعنوان یک مجله کمک آموزشی معلمین ورزشی کشور، و فصلنامه نیرو و نشاط ، ترسیم از تربیت بدنی در جمهوری اسلامی ، که با مدیر مسئولی و تمشیت امور آن توسط اینجانب منتشر می شد و نیز در تدوین کتاب های درسی ورزشی برای هر پایه تحصیلی و مقاطع مختلف، با همکاری سازمان

کتاب‌های درسی ، اهتمام ویژه داشتیم.



بدین منظور کتابهای کشورهای مختلف، خصوصاً ژاپن و کره جنوبی، را که برای هر پایه درسی کتاب ویژه‌ای داشت، و نیز برای معلمین هر مقطع تحصیلی، کتاب راهنمای تدریس، بعنوان تجربه‌ی موفق، بهره‌گیری لازم بعمل آمده است.

چاپ چندین کتاب آموزشی و کمک آموزشی در کنار مجلات مورد اشاره، از اقدامات مؤثری بود که با همکاری سایر همکاران حاضر در اداره کل، خصوصاً مدیرکل وقت آقای سید نصرالله سجادی و معاونت ایشان آقای سید امیر حسینی، صورت گرفت. طراحی و برنامه‌ریزی و اجرای مسابقات علمی و فرهنگی معلمین ورزشی سراسر کشور، به منظور توانمندسازی معلمین ورزشی، که میانگین دانش آنان در آن زمان در حدود دیپلم بود، از اقدامات مؤثری بوده است که اینجانب در آن مشارکت ویژه داشتم. بدیهی بود در زمینه‌های مختلف آموزشی و تحقیقاتی و نیز اجرایی، که مدتی رئیس انجمن بازیهای دبستانی بوده‌ام، سعی داشته‌ام فردی همراه و تأثیرگذار باشم.

دوران تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس

در سال ۱۳۶۴، باتفاق آقای سید نصراله سجادی، در دانشگاه تربیت مدرس برای ادامه تحصیل پذیرفته شدیم، و به همین دلیل عملاً من و آقای سجادی از اداره کل جدا شدیم و تمشیت امور اداره کل با هماهنگی فیما بین و دعوت از آقای احمد درگاهی که در آموزش

پرورش شهرستان دماوند خدمت می‌کرد، به ایشان، سپرده شد. بیش از ۵ ماه از حضور خدمتی آقای درگاهی در مسئولیت مدیرکل اداره کل تربیت بدنی نگذشته بود که ایشان، از جانب نخست وزیر وقت، آقای مهندس میرحسین موسوی، دعوت به همکاری در مسئولیت ریاست سازمان تربیت بدنی شدند. از ابتدای صدور حکم ایشان مشخص بود آقای مهندس موسوی نخست وزیر از آقای درگاهی برای حضور در سازمان تربیت بدنی، تدوین برنامه‌ای را طلب خواهد نمود. در ارائه برنامه، من و آقایان سجادی و حسینی هم در تدوین برنامه قابل ارائه به نخست وزیر، به آقای درگاهی کمک کردیم و خوشبختانه برنامه مورد استقبال نخست وزیر قرار گرفت و ایشان با سمت معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی که تا آن روز سمت معاون نخست وزیر برای رؤسای سازمان تربیت بدنی، از آغاز انقلاب تا زمان انتصاب آقای درگاهی (۱۳۶۴) سابقه نداشت، منصوب و آغاز بکار کردند. به‌رحال ایشان با قبول مسئولیت ریاست سازمان تربیت بدنی، طبیعی بود از ما دوستان که مشغول تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس بوده‌ایم دعوت به همکاری نماید.

حضور در سازمان تربیت بدنی و قبول مسئولیت

اگرچه دعوت از بنده، به عنوان معاونت ایشان، بدو برای مدت ۶ ماه هماهنگ شده بود و به همین منظور از دانشگاه تربیت مدرس درخواست مرخصی تحصیلی برای یک ترم شد و علیرغم حمایت آقای

مهندس موسوی از درخواست مرخصی برای من، دانشگاه با آن مخالفت کرد.

به هر تقدیر با فرض قبولی مرخصی از جانب دانشگاه مذکور، اینجانب قبول مسئولیت کردم و از ناحیه، آقای درگاهی در سمت معاون ورزشی سازمان تربیت بدنی منصوب شدم. بهر تقدیر شش ماه گذشت و از مرخصی خبری نشد، بهر حال تا چهار سال همکاری ادامه یافت و همزمان با تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس، معاونت سازمان تربیت بدنی را هم عهده دار بودم. گرچه با سرزنش و توبیخ مسئولین وقت دانشگاه تربیت مدرس خصوصاً دکتر احمد احمدی که ریاست دانشکده علوم انسانی را عهده دار بودند، مواجه شدم. دوران خدمت چهارساله سازمان تربیت بدنی، یعنی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸، در شرایط جنگی و دفاع مقدس، بسیار سخت و از جهاتی آسان بود. سخت بود بدلیل اینکه منابع مالی و انسانی وجود نداشت و یا بسیار محدود بود. آسانی خدمت در دوران مذکور تعهد انقلابی و مسئولیت پذیری بوده است که نوعاً در ما بعنوان طرفداران انقلاب اسلامی وجود داشت، که برای کار و خدمت زمان نمی‌شناختیم و در مواردی بی‌مزد و منت سعی در ارائه خدمات صادقانه داشته ایم.

دوره خدمتی در سازمان تربیت بدنی (۱۳۶۴-۱۳۶۸)

حضور خدمتی در سازمان تربیت بدنی که همراه با ریاست دوست دیرین هم‌رمز فکری و مبارزاتی ، آقای احمد درگاهی بوده است ، از بهمن ماه ۱۳۶۴ آغاز شده بود. بعد از حدود ۷ سال از وقوع انقلاب اسلامی و سپری شدن دوران مدیریتی آقایان ، شاه حسینی ، مصطفی داودی و اسماعیل داودی شمس ، که هر یک به تناسب ، نقشی در همراهی نهضت انقلاب اسلامی داشته‌اند ، اولین دوره خدمتی من در سازمان تربیت بدنی با دوستان همفکر ، که عمدتاً دانش‌آموختگان مدرسه عالی ورزش بوده‌اند شروع شده است.



همراهی با حضور وزیر ورزش بلغارستان در زورخانه شهید فهمیده تهران - ۱۳۶۵

در این زمان ، با رخداد انقلاب اسلامی ، هرم ساختار و سازماندهی سازمان تربیت بدنی ، با حدود ۳۰۰۰ نفر نیروی انسانی در کل کشور با

بدنه ای حجیم و رأسی کوچک بود، که قریب باتفاق این راس یا اعدام شده بودند، از جمله تیمسار حجت کاشانی، تیمسار جهانبانی و تیمسار وثیق و یا منفصل و مستعفی و باز خرید و اخراج گردیده بودند که البته و در گذشته مجریان توانمندی در سازمان تربیت بدنی بودند و رویداد عظیم ورزشی بازیهای آسیایی تهران را هدایت کرده بودند و طراحی و ساخت مجموعه‌های ورزشی آزادی و دهکده المپیک در کشور را نیز پدید آورده بودند.

حسب موقعیت وقوع انقلاب اسلامی، مسوولیت چنین سازمانی با چنین موقعیتی به ما و دوستان هم‌طراز و هم‌فکر سپرده شده بود. لازم است اشاره شود که دامنه سنی خدمتگزاران سازمان حدوداً ۳۰ سال و سطح سواد آنها در حد لیسانس تربیت بدنی و تجارب خدمتی آنان عمدتاً در آموزش و پرورش و آن هم با پیدایش انقلاب بوده است، و عملاً با جهان خارج و سازمانهای بین‌المللی در حوزه ورزش آشنا نبوده و تجربه کمی داشته‌ایم. پس از حضور خدمتی در سازمان تربیت بدنی، با همفکری همدیگر ساختار سازمان را که متشکل از دو معاونت ورزشی و اداری و مالی بوده است به سه معاونت ارتقاء داده و اینجانب در مسئولیت معاونت فرهنگی و آموزشی که جدیدالتأسیس بود منصوب شده و در ورزشگاه انقلاب، که قبل از انقلاب اسلامی باشگاه ورزشی شاهنشاهی، نامیده می شد، استقرار یافته‌ام.

گسترده‌گی حوزه فعالیت معاونت فرهنگی و آموزشی، که علاوه بر

باز سازی و بهسازی ، با مشکلات عدیده ای همراه بود: از جمله؛ ضبط بخشی از آن توسط نیروی انتظامی (ورزشگاه شکار) و بخش دیگر (اسب دوانی) توسط صدا و سیما و بخش هایی از آن همزمان با وقوع انقلاب سوزانده و تخریب گردیده بود و بخش های بسیاری بعنوان فضاهای ورزشی و ورزش های لوکس نظیر گلف تغییر کاربری داده شده بود، مستلزم فعالیت های گسترده ای نیز بود.

ایجاد مدیریت ورزش زنان، حوزه های پژوهش و تحقیق ، جهاد تربیت بدنی (ورزشهای همگانی ، بومی و سنتی) و آموزش شکرده تربیت بدنی (انستیتوی ورزشی) اقدامات مؤثری بوده است که در معاونت مذکور توسط اینجانب با دعوت از همکارانی که عمدتاً دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس بوده‌اند . صورت پذیرفت . همکاران همراهی نظیر آقایان دکتر عباس بهرام ، دکتر رضا قراخانلو دکتر مهرزاد حمیدی که در مسئولیت های مدیریتی مذکور قرار گرفتند و نیز خانم طاهره طاهریان که در آموزش و پرورش خدمت می کرد و تحصیل کرده مدرسه عالی ورزش به مدیریت ورزش زنان منصوب شد. بدیهی بود هر یک از مدیران مذکور دوستان و همکارانی را از دانشگاهها و نهادهای دیگر، در حوزه های مدیریتی خود بخدمت گرفتند که همگی اکنون از شاخصین و سرآمدان ورزش کشور بوده و هستند .

قصدم ارائه گزارش چهار ساله عملکرد در حوزه های خدمتی

فوق الاشاره، در شرایط جنگ تحمیلی با محدودیت های منابع مالی، سرمایه ای و انسانی نیست. ولی لازم است گفته شود با همت مدیران مذکور، و حمایت و هدایت اینجانب، هر یک از مدیران در حوزه مسئولیت خود اقداماتی بدیع و ابتکاری را با تلاش های صادقانه بیادگار گذاشته اند که در تاریخ ورزش کشور ثبت است، و وجدان بیدار قدردان زحمت های بی بدیل آنان خواهد بود.

از جمله اقداماتی که لازم بذکر است تأسیس آموزشکده تربیت بدنی بوده است که در سه گرایش مدیریت ورزشی، مربیگری، و معلمی ورزش و با کسب مجوز از وزارت علوم وقت آغاز به کار کرد و برگزاری دوره های آموزشی را در رشته های مزبور برقرار نمود.

دوره های آموزشی مذکور را علاوه بر تهران (با شگانه انقلاب) در دو استان کشور، شهر اهواز و تبریز، با سختی بسیار و همت مدیران محلی (آقایان یزدان پناه و اکبر گهرخانی) برگزار نمودیم بحدی که تا پایان حضور خدمتی در سازمان تربیت بدنی (۱۳۶۸) بالغ بر ۶۰۰ نفر نیروی جوان، آموزش دیده به ترکیب نیروی انسانی سازمان اضافه گردیدند و تا سطح فوق لیسانس هم، دوره آموزشی مذکور به کمک سازمان امور استخدامی کشور، و نیز همراهی دانشگاه تربیت مدرس، ارتقاء یافت که هم اکنون وزیر ورزش و جوانان کشور، و بسیاری از مدیران حوزه های تخصصی ورزش از تربیت شدگان موسسه آموزشی مذکور می باشند. علاوه بر تأسیس آموزشکده تربیت بدنی، دبیرستان

ورزش هم برای تقویت بنیاد علمی و عملی ورزش و تغییر در ترکیب نیروی انسانی و تقویت ورزش قهرمانی، با پذیرش نوجوانان و جوانان علاقمند و با استعداد در رشته‌های ورزشی، از اقدامات دیگر و بسیار مؤثری بوده است که در سازمان تربیت بدنی اتفاق افتاده است.

مأموریت تدوین نظام نوین تربیت بدنی در کشور

اتفاق قابل توجه دیگر، تشکیل کمیته و تدوین نظام نوین تربیت بدنی در کشور با هدایت ریاست وقت سازمان تربیت بدنی و حسب دستور نخست وزیر محترم میرحسین موسوی بوده است. دبیرخانه کمیته مذکور در حوزه معاونت فرهنگی و آموزشی سازمان، با مسئولیت اینجانب مستقر گردید و نمایندگانی از وزارت علوم، آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور استخدامی کشور و ... در کمیته مذکور عضویت داشتند و بالغ بر ۱/۵ سال صرف مطالعات در حوزه ورزش ملی و بین‌المللی شده است تا سرانجام پیشنهاد تشکیل وزارت ورزش و تربیت بدنی با تدوین اساسنامه و دلایل توجیهی ناظر بر تشکیل وزارتخانه مزبور، مستند به مفاد قانون اساسی با سوابق و لواحق به دولت وقت پیشنهاد گردید. متأسفانه کمیسیون اجتماعی دولت، بدلیل شرایط جنگی کشور، و توجیه نشدن اعضای کمیسیون مذکور، تشکیل وزارت ورزش را صلاح ندانستند. ولی با همراهی ریاست کمیسیون، مرحوم دکتر حبیبی بسیاری از ضروریات مورد نیاز سازمان تربیت بدنی که در آن شرایط الزامی بوده‌اند، به

دولت گزارش گردید و لوایح مورد نیاز تدوین، و به مبادی مورد نظر جهت تصویب ارائه شده است.



مسئولیت در تدوین برنامه پنجساله ورزش کشور

علاوه بر اقدامات تاثیرگذار اشاره شده در حوزه های آموزشی، پژوهشی، ورزش زنان و ورزش همگانی و مسئولیت تدوین برنامه پنجساله اول دولت در بخش ورزشی کشور هم از ناحیه ریاست سازمان تربیت بدنی به اینجانب محول شده بود. کمیته تربیت بدنی در شورای برنامه ریزی بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی، به ریاست وزیر بهداشت و عضویت ریاست سازمان تربیت بدنی در وزارتخانه مذکور، و با حضور همه اعضاء و مسئولین کمیته های مورد نظر در هر هفته روز جمعه با دبیری شورای برنامه ریزی مذکور که توسط معاون

و یا رئیس سازمان برنامه‌ریزی و بودجه تشکیل می‌گردید که حدود ۶ ماه در تدوین برنامه ۵ ساله اول بنحوی که گزارش گردید بطول انجامید. مسئولیت اینجانب در تدوین برنامه بخشی ورزش کشور، سرآمد سایر کمیته‌های تخصصی فوق‌الإشاره بود که موجب شده است تا به عنوان اولین ارائه‌کننده برنامه، با تشویق شورای مذکور، که با حضور ریاست سازمان برنامه و بودجه همراه بوده است با تأسیس ۵ دبیرستان ورزش به ۱۰ دبیرستان و نیز تأسیس ساخت استادیوم‌های ورزشی بانوان و کودکان در بخش عمرانی موافقت و تأکید شود.

تأسیس انستیتوی ورزش کشور با حمایت بنیاد کروب

به هر تقدیر دوران خدمتی سخت و پرهزحمتی را همراه با عشق به خدمت به ورزش کشور در دوره اول حضور در سازمان تربیت بدنی طی کرده‌ایم که صرفاً به امهات خدمت خود اشاره داشتیم. ذکر و مصادیق هر یک خصوصاً برگزاری جشنواره‌های دهه فجر و مسابقات ملی و بین‌المللی که به همین منظور با مسئولیت اینجانب برگزار شده است دراز دامن خواهد شد که از حوصله عزیزان خارج است.



حضور در مسابقات وزنه برداری بزرگداشت دهه فجر - تبریز ۱۳۶۷

از اتفاقات مؤثر دوران خدمتی اول من در سازمان تربیت بدنی، اقدام به تأسیس انستیتوی ورزش کشور است که مقرر بود با تأمین منابع سخت‌افزاری از ناحیه سازمان و حمایت تجهیزاتی و تربیت نیروی انسانی از ناحیه بنیاد کروب در کشور آلمان ایجاد شود. به همین منظور بالغ بر یکسال با همت دوستان همکار در آموزشکده تربیت بدنی، همه تمهیدات مورد لزوم برای تأسیس انستیتوی ورزش کشور با حضور نمایندگان شاخص حقوقی و ورزشی بنیاد مذکور صورت گرفت به ویژه سرپرستی هیات بواسطه ی پروفیسور اشتیک من، که از سرآمدان اساتید ورزشی دانشگاه کلن بود. و با سازمان فضایی آمریکا (ناسا)، و پروژه حضور انسان با کالبد فیزیکی مناسب را عهده‌دار بود، و نیز مدیر حقوقی بنیاد کروب، برای راستی آزمایی توانمندی ایران برای تأسیس چنین مرکز علمی و تخصصی به ایران آمدند. متأسفانه در آن

زمان به تعداد انگشتان یکدست هم تحصیل کرده دکتری علوم ورزشی در کشور وجود نداشت و ناگزیر شدیم برای تهیه گزارش ارزیابی مثبت هیئت اعزامی بنیاد کروب، چندین نفر دکتر علوم پزشکی در حوزه ارتوپدی و استخوان و مفاصل را در میزگرد نمایندگان اعزامی حاضر نماییم. خوشبختانه با ارائه گزارش مثبت هیأت اعزامی و با نقد و نظری که داشتند از جانب مدیرعامل بنیاد کروب دعوت به حضور در کشور آلمان شدیم.



حضور در دانشگاه کلن آلمان به اتفاق دکتر قراخانلو و دکتر سیمائی - ۱۳۶۸

خوشبختانه وعده و تصویب کمک ۳ میلیون مارکی بنیاد مذکور و نیز معرفی نماینده ای از ایران (دکتر اسفندیار سیمائی) تصویب شد و مقرر گردید کمک سه میلیون مارکی، در سه گام ، شامل خریداری تجهیزات ورزشی مورد نیاز انستیتوی ملی ورزش ایران از جانب بنیاد کروب متعهد صورت پذیرد. متأسفانه در هم زمانی با تصویب و تصمیم

تأمین منابع مورد نیاز از ناحیه بنیاد کروپ، اطلاع حاصل شد که در اولین دوره خدمتی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، آقای دکتر غفوری فرد جایگزین آقای احمد درگاهی در سازمان تربیت بدنی شده اند. بدین ترتیب همه زحمات ۴ ساله من و دوستان همراه با تغییر ریاست سازمان تربیت بدنی در تمامی عرصه‌ها و از جمله تأسیس انستیتوی ورزش و اخذ کمک ۳ میلیون مارکی به باد فنا رفت و ظرف حداکثر یکماه هم مدیران منصوب دوران ریاست آقای درگاهی در سازمان تربیت بدنی که همگی از تخصص و تجربه چهار ساله خدمت ، بهره‌مند بودند از سازمان تربیت بدنی و فدراسیونهای ورزشی عزل و کنار گذاشته شده‌اند.

بعد از انفصال از خدمت در سازمان تربیت بدنی، مدتی را در مرکز تربیت معلم تهران به عنوان مدرس خدمت کردم و نیز مدتی را حدوداً ۳ سال در سازمان هواپیمایی کشوری بنا بر دعوت ریاست وقت سازمان مذکور (آقای مهندس علیمحمد نوریان) در حوزه های آموزش های کاربردی صنعت هوانوردی و نیز طرح و برنامه مشارکت داشتیم.



حضور خدمتی در سازمان هواپیمایی کشوری - ۱۳۷۰

علیرغم اینکه سازمان تخصصی بوده و با سوابق تحصیلی منسوخیت نداشت. با پشتوانه نیروهای تخصصی سازمان، دوره خدمتی موفق‌تری را به یادگار گذاشتم که با لطف خداوند دوره خدمتی حضور در سازمان هواپیمایی کشور دوران طلایی خدمت از جانب همکاران اطلاق و معرفی گردید. انگیزه و علاقه تحصیل در دوره دکتری، موجبات حضور مجدد در دانشگاه تربیت مدرس را فراهم کرد که با دعوت ریاست وقت دانشگاه تربیت مدرس (دکتر مهدی سید اصفهانی) مدتی در سمت مشاور و نیز معاونت اداری و مالی دانشگاه مشغول به خدمت شدم.

دوره خدمتی در دانشگاه تربیت مدرس

همزمان با حضور در دانشگاه تربیت مدرس به اتفاق دکتر علی محمد نوریان مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران وابسته به دانشگاه تربیت مدرس تأسیس و از طریق مرکز مذکور که در فرمانیه تهران استقرار داشت مقدمات تحصیل دوره دکتری تردّی را برای بسیاری از مدیران کشور و انعقاد قرارداد آموزشی با چندین دانشگاه معتبر انگلستان و کشور هلند برقرار کردیم. که با تغییر مدیریت در دانشگاه تربیت مدرس عملاً مرکز مزبور هم از ادامه مأموریت، ادامه تحصیل مدیران کشور در دوره دکتری تردّی باز ماندند و از جمله خود من که دوره دکتری مدیریت آموزشی را با تدوین رساله و تأیید آن از جانب اساتید راهنما و مشاور ایرانی ، آقایان دکتر عزت الله نادری و دکتر بابائی (به اتمام رسانده بودم از ادامه تحصیل باز ماندم و قادر به دفاع از رساله دکتری نشدم. در این زمان با اینکه مدت زیادی از دوره تحصیلی دکتری من در مدیریت آموزشی گذشته بود، ناچاراً دوره تحصیلی مذکور را که رساله آن هم به نگارش درآمده بود رها کرده و دوره مدیریت ورزشی را در دانشگاه تهران ادامه دادم که تا شهریور ماه سال ۱۳۸۳ به طول انجامید و رساله دکتری من با راهنمایی دکتر خوش چهره از اساتید شاخص دانشگاه تهران در رشته اقتصاد و با عنوان سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور به اتمام رسید و دفاع شده است.

همزمان با تحصیل دوره دکتری در رشته مدیریت ورزشی یعنی از سال ۱۳۷۹ با مساعدت و همکاری دکتر خلاق میرنیا ، ریاست وقت دانشگاه مازندران به دانشگاه مذکور انتقال یافتم و عملاً از سال ۱۳۸۳ مدرس دروس تخصصی در دانشکده تربیت بدنی دانشگاه مازندران شدم و پس از مدتی از حضور در دانشگاه مذکور، دوره دکتری و پسا دکتری هم یادگاران دوره تحصیلی مذکورند که دانش آموختگان دوره های مذکور در دانشگاهها، کشور و نهادهای تخصصی ورزشی کشور اشتغال به خدمت دارند.

تأسیس انجمن فارغ التحصیلان و خدمات آن

از افتخارات خدمتی اینجانب علاوه بر حضور در موضع آموزش و تحقیق در دانشگاه های کشور مشارکت در تأسیس انجمن فارغ التحصیلان و متخصصین تربیت بدنی و ورزش کشور بود که از سال ۱۳۷۱ با کسب مجوز از وزارت کشور آغاز شد و طی دوره ۶ ساله حضور اینجانب در موضع رئیس انجمن مذکور، ضمن اینکه، در ۱۳ استان کشور، نمایندگی استانی ایجاد شد تعداد اعضای پیوسته انجمن در کشور که کارت عضویت داشتند هم به ۱۱۰۰ نفر بالغ شده است. شرکت عیاران راد، با موضوعیت بازرگانی و خدمات علمی و تخصصی وابسته به انجمن هم از اقدامات موثر و مفیدی بود که توسط اینجانب و همکاری متخصصین دیگر تأسیس و آغاز به فعالیت نمود.



انجمن مذکور با مدیریت اینجانب توفیق داشته است علاوه بر نقد عملکرد مسئولین وقت ورزش کشور، در طراحی و تدوین بسیاری از طرح‌های اصلاح ساختار ورزش کشور، طرح ایجاد وزارت ورزش و جوانان، طرح ایجاد معاونت تربیت بدنی در وزارت آموزش و پرورش و نیز فدراسیون ورزشی دانش آموزی، در حوزه قهرمانی هم به کمیته ملی المپیک سه پیشنهاد ایجاد و مدارس تخصصی ورزش، پایگاه‌های المپیک در کشور و نیز تأسیس مرکز اردویی ورزش قهرمانی را عرضه نماید. طرح تأسیس سازمان زنان ورزش کشور و دانشگاه تخصصی ورزش و نیز سازمان احیاء و ترویج ورزشهای روستائی بومی و محلی و تأسیس انستیتوی ورزشی کشور از اقدامات دیگری بوده است که به مسئولین کشور و نیز دستگاههای تخصصی عرضه شده است.

متأسفانه انجمن مذکور با کنار رفتن اینجانب در مسئولیت انجمن، علیرغم اینکه مجمع عمومی برگزار گردید و نفرات جایگزین هم از طریق مجمع عمومی انتخاب شدند عملاً از تداوم خدمت باز ماند و صرفاً نام آن باقی است و هیچگونه فعالیتی ندارد.

خوشبختانه پیشنهاد انجمن و حمایت و پشتیبانی آن از ناحیه خانم فائزه هاشمی، زمینه حضور آقای مهندس هاشمی طباء را که در کمیته ملی المپیک خدمات شایسته‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند

دوره خدمتی دیگر در سازمان تربیت بدنی در همراهی با مهندس هاشمی طباطبائی

جا دارد اشاره شود انجمن تخصصی مذکور، برای دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، با نقد و نظری که بر عملکرد رئیس وقت سازمان تربیت بدنی داشته است در جمع هیئت مدیره خود تصمیم گرفته است با ارائه تحلیلی جامع به ریاست جمهوری، درخواست نماید هدایت ورزش کشور را به متخصصین علوم ورزشی بسپارد و نیز تأکید داشته است چنانچه ریاست جمهوری به هر دلیل بنا بر انتصاب فرد تحصیل کرده ورزش و در رأس سازمان را ندارد بهترین گزینه از جانب انجمن آقای مهندس هاشمی طباطبائی می باشد که برای مسئولیت مذکور منصوب شوند. برای حضور در سازمان تربیت بدنی فراهم ساخت.

بدیهی بود نیروهای تحصیل کرده ورزش کشور با گذشت حدود ۱۵ سال از انقلاب اسلامی و قرار گرفتن در مواضع خدمتی تخصصی در عرصه های مختلف در ورزش کشور به اعتماد به نفس کافی رسیده بودند که قادر به اداره ورزش کشور هستند. مزید بر آن عمده نیروهای تخصصی و تحصیل کرده ورزش کشور عضویت انجمن فارغ التحصیلان کشور را هم عهده دار بودند. بهر تقدیر، آقای مهندس هاشمی طباطبائی به ریاست سازمان تربیت بدنی منصوب شدند و اولین نفری را که دعوت به همکاری نمود اینجانب بودم که در این زمان،

علاوه بر ریاست انجمن، معاون اداری مالی دانشگاه تربیت مدرس و نیز مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری هم عهده دار بوده ام.

با صدور ابلاغ برای اینجانب در اسفندماه ۱۳۷۳ و حضور خدمتی در سازمان تربیت بدنی در فروردین ۱۳۷۳، در مسئولیت معاونت فنی و امور فدراسیون‌های ورزشی، عملاً بدلیل هماهنگی و همراه نبودن در برخی از مواضع خدمتی و بروز اختلافات دیگر، ادامه همکاری برای من میسر نشد طبیعی بود که لازم دانسته مستعفی و از ادامه خدمت منصرف شوم .

دوران خدمتی تأسیس دانشگاه شمال در آمل

بعد از کنار رفتن از مسئولیتی که در سازمان تربیت بدنی داشتم به فکر حضور و تأسیس در فعالیت‌های غیردولتی از جمله تأسیس دانشگاه برآمدیم. تقدیر این شده که با کمک دوستانی که باهمگی آنان سابقه همکاری در عرصه های مختلف خدمتی داشتم موجبات تأسیس موسسه آموزش عالی شمال در شهر آمل با پیگیری و مداومت اینجانب و حمایت مؤسسين دانشگاه مذکور که عمدتاً در مسئولیت های کلان کشوری هم حضور داشته اند فراهم گشت.

شروع تأسیس موسسه آموزش عالی شمال از سال ۱۳۷۴ با اخذ مجوز تحصیلی در دو رشته تحصیلی و با اجاره ساختمان مسکونی در شهر آمل آغاز شد و هم اکنون پس از گذشت مدت زمان طولانی به

دانشگاه تبدیل شده است و در مقاطع تحصیلی کاردانی ، کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیرد و جمعیت دانشجویی خود را به حدود هفت هزار نفر ارتقا داد و اتلاق دانشگاه برتر را در ارزیابی وزارت علوم بخود اختصاص داده است و هم اکنون در ۸۰ هزار متر مربع مساحت، بالغ بر ۶۰ هزار متر مربع فضای کالبدی طراحی و ساخته شده است و بزرگترین مرکز دانشگاهی غیرانتفاعی و غیر دولتی کشور است. و تاکنون بالغ بر ۳۰ هزار فارغ التحصیل و دانش آموخته تربیت کرده که در بخش های مختلف اقتصادی ، صنعتی، حقوقی و اجتماعی و ورزشی کشور مبادرت به خدمت دارند و دانشگاه شمال هم به وجود همه دانش آموختان خود افتخار نموده و موجب مباحثات همه موسسین از جمله بنده حقیر هست که از سال ۱۳۷۴ تا کنون که قریب به ۳۰ سال است خدمتگزار آنان بوده و انشاءا... خواهیم بود .



۱۳۸۰
دانشکده
تربیت بدنی
و علوم
ورزشی



۱۳۸۱
مجموعه
ورزشی



۱۳۸۲
مجموعه
رستوران



۱۳۸۳
دانشکده
علوم
انسانی و
و سانهای
ورزشی



۱۳۸۴
نمازخانه
حضرت
ابراهیم (ع)

توسعه و رشد موسسه دانشگاهی شمال

پسده سالگی

۷۵۰ متر مربع
۸۰۰ متر مربع
۱۰۰۰ متر مربع

کتابخانه دانشگاهی
شمال

فرهنگی و فرهنگی

پنجده سالگی به اطلاع می‌رساند
مجلسیت عمومی شورای هیأت موسس دانشگاهی ششمین
موسسه آموزشی عالی غیرانتفاعی فرهنگیان در آغاز به
شماره‌های آقای محمدحسین رفیعی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۵
علمی فعالیت کرده‌اند به تشدید ناموس جدید و توسعه
و توسعه طرح ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ شورای استشاری موافقت و حسن آراء
است. این

۱۳۷۵
موسسه آموزشی عالی غیرانتفاعی فرهنگیان
شمال

۱۳۷۴
مجموعه
تأسیسات
دانشگاه
شمال



۱۳۷۸
تحویلی
زمین



۱۳۷۹
مهمانسرا



۱۳۹۳
فصل و
کتاب
ورزشی



۱۳۸۵
ساختن
آماره



۱۳۹۴
پارکینگ
طیقاتی



۱۳۸۶
استخر



۱۳۹۵
رشد و کار آفرینی
مركز



۱۳۸۷
موسسه
فرهنگی
هنری
علمی - کاربردی



روند
انحط
رشته های
جدید در
دانشگاه
شمال



۱۳۹۱
سالن
ورزشی
کوتاه



روند
انحط
رشته های
مركز
علمی - کاربردی



۱۳۹۲
دانشگاه
فنی و مهندسی

در پایان جا دارد از همه دوستان و سروران و دانش آموختگان و دانشجویان عزیزی که موجبات چنین رخدادی را فراهم داشته‌اند و با حضور خود اسباب شادمانی این حقیر را در زیارت خود فراهم داشته‌اند قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

پیوست ها



به نام خدا

جناب آقای دکتر محمدحسین رضوی
عضو محترم هیأت علمی دانشکده ی تربیت بدنی و علوم ورزشی

در عصر اکتشافات و اختراعات شگفت انگیز و گسترش و تعمیق فراگیر دانش، کوشش‌ها و دستاوردهای پژوهندگان عرصه‌ی دانش و صنعت و معرفت و فرهنگ، در دستداران و دست اندر کاران دانش، وجد و شوری برمی‌انگیزد که زبان از وصف آن قاصر است و توان از سپاس آن، عاجز.

اینک که جناب عالی علاوه بر پاسخ‌گویی به علاقه و ذوق درونی، به نیاز جامعه‌ی علمی و دانشگاهی نیز پاسخ گفته‌اید و با گذر افتخارآمیز از مراحل آموزشی و پژوهشی، خلعتی فاخر به تن کرده و از دانشیاری به مرتبه‌ی استادی ارتقا یافته‌اید، دانشگاهیان و دانش‌پژوهان به خود می‌بالند و سعادت و سلامت و نوآوری‌ها و نوآندیشی‌های روزافزون‌تان را آرزو مندند.

دکتر یحیی طالبی رستمی
سرپرست دانشگاه مازندران



دانشگاه مازندران

باسم تعالی



پژوهش‌تعمار و محور تجاری سازی فناوری، زیربنای اقتصاد معاصر

جناب آقای دکتر سید محمد حسین رضوی
پژوهشگر متبحر و دانشمند

پژوهش‌تعمار تولید علم است و تولید فناوری یک کارگیری یافته‌های پژوهشی است. تأثیرگذاری پژوهش و فناوری در تمدن کنونی دنیا و در آینده‌های آن بسیار روشن و برپایه‌ای است و هر چه در تاریخ بشری به نماند، این تأثیرگذاری بیشتر می‌شود. از آنجمله بارون‌ده‌خانه‌ها، پویش‌کاران و جویندگان با فناوری و نوآوری در اندیشه، دانش، پژوهش، تولید علم و فهم عمیق و دقیق، ارزش فوق‌العاده داده و با پژوهش و ترویج روحی علمی با ایجاد محیطی شفاف، پویا و همسویی برای خلاقیت، همت و یکسوت جهت تحقیق و مطالعه‌ای بر جای نقش آموزشی را در تحقق مأموریت‌های پژوهشی برعهده داشته‌اند، پاسکاری می‌نمایم.

امید است، با تدبیر، تعین و تقصص و با قابلیت‌های بافتور و توانمندی‌های منابع انسانی، افق روشنی در تحقق چشم‌انداز آینده‌ی ایران پدیدار نماید.

همی کن این جهان را با ساز
با نگاهی نوجوانی نوبهار

دکتر سید عطاء حسینی

پژوهشگر متبحر و دانشمند - آذر ۱۳۹۵

به نام خدا


جمهوری اسلامی ایران
وزارت ورزش و جوانان


انجمن کارآفرینی ورزش دانشگاهی

لوح تقدیر کارآفرین نمونه ورزش کشور
هَمَن يَتَقَرَّبُهَا مَنْصَةً لِّذَلِكَ فِيهَا شُكْرًا (سوره شوری آیه ۴۳)
مکانی که نام، به یاد آن، بر سر کوه بریزیم

جناب آقای دکتر سید محمد حسین رضوی
رئیس محترم هیات مدیره مجموعه ورزشی شمال مرعش آمل

بی شک عزت و سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مرهون کوشش و سعی بالغ فرهیختگان و نجیبان این مرز و بوم است که بی توقع به انجام رسالت خطیر خویش می اندیشند. خلاقیت و کار از موثرترین وجوه انسان هستند و کارآفرینی تلاش ستودنی انسان هایی است که خویشتن را در قبال خلاقیت و توانایی هایی که خداوند به ایشان ارزانی داشته است مسئول می پندارند.

اینگ که در برتو عنایات خداوند و تلاش مجاهده و احساس مسئولیت در برابر فرهنگ و ورزش کشور، در سال اقتصاد مقاومتی - تولید و اشتغال و پراساس نظرسنجی در سومین همایش ملی یافته های نوین در علوم ورزشی حضرتعالی به عنوان "کارآفرین نمونه ورزش کشور" در سال ۱۳۹۶ انتخاب شده‌اید این لوح تقدیر به شما تقدیم می شود. ضمن تبریک این موفقیت، امید است در راستای توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی و تجلی کار و کسب های صنعت ورزش چون گذشته سرآمد و پیشتاز بوده و با اندیشه های ناب و خلاق زمینه ساز توسعه پایدار ورزش کشور باشید.

دکتر محمد رضا برومند
رئیس انجمن کارآفرینی ورزش دانشگاهی و
دبیر کمیته اشتغال وزارت ورزش و جوانان

دکتر فرشید طهماسبی
دبیر کل همایش




وزارت ورزش و جوانان
جمهوری اسلامی ایران



به نام خدا

جناب آقای دکتر محمد حسین رضوی
عضو محترم هیات علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

سپاس خدای را که در پرتو عنایت بیکرانش و در سایه تلاش و تمهد وافر خویش، در عرصه‌ی آموزش و پژوهش، جامعه‌ی دانشگاهی را از دانش و اندیشه‌ی خود بهره‌مند ساخته و نهال شرف و امید را در درون دانشجویان شکوفا نموده‌اید. به پاس آن، در دهنه‌ی گرامیداشت مقام معلم، به عنوان «استاد نمونه در سال ۱۳۹۶» انتخاب شده‌اید. با سپاس از زحمات جناب عالی، کسب این افتخار را به شما تبریک گفته و امید است در این راه خطیر، همواره متعهد به رسالت مقدس معلمی و مؤید به تأییدات خدایی باشید تا جامعه‌ی دانشگاهی هم چنان از چشمه‌سار زلال دانش تان سیراب گردد.

دکتر سید خلاق میرنیا
رئیس دانشگاه مازندران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

((الْجَلِيلُ بِرَأْفَةِ كَرِيمَتِهِ ، وَالْإِحْسَابُ خَلْقًا مُنْجِلًا ، وَالْبَيْتُ مِرْآةً صَادِقَةً))

دانش سرشاری که آنگاه آداب، زیورهای نوبین، جان و تن، ولدیش آینه‌ای روشن است. راهم علی‌چهار
چهارده کلمات شده، شماره ۵۰

دانش آموخته کرامی جناب آقای دکتر سید محمد حسین رضوی

نیل به رتبه دانش آموخته محقق و دانشگاه تهران توفیقیتی است که نصیب برگزیدگان
علمی ایران اسلامی می‌گردد. اینک که همزمان با هفتاد و پنجمین سال تأسیس دانشگاه تهران
به دریافت عنوان دانش آموخته ممتاز از این مرکز بزرگ دانش و خود در
رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی مطلع و کتبی دانشگاه تربیت بدنی
در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ نائل آمده‌اید. کسب این موفقیت بزرگ را به شما تبریک می‌گویم.
توفیق روزافزون تان را در همه مراحل زندگی از درگاه ایزد منان مسئلت دارم.

رضافری و انا رضا فربا
رئیس دانشگاه تهران
نودم، هشتاد و یکم، یکم و صد و شصت و شش

